

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردبیر

حق مؤلف یا حق آفرینش‌های فکری از جمله حقوق ناظر بر حفظ مالکیت معنوی اشخاصی است که اثری را پدید آورده‌اند. مالکیت مادی پدیده‌ای شناخته شده است که به سهولت قابل تشخیص و بعضاً قابل اعاده است. مثلاً اگر کسی مالی را بدون اجازه مالک آن تصاحب کند، مال را می‌توان شناسایی کرد، مالکیت آن را روشن ساخت، و به صاحبش بازگرداند. اما مالکیت معنوی که برای اثری فکری، اعم از علمی، فرهنگی، هنری، و جز آن احراز می‌شود تکلیفش به چند دلیل چندان روشن نیست.

نخست آنکه زمانی می‌توان مالکیت معنوی را برای کسی قائل شد که عینیت یافته باشد، یعنی تبدیل به اثری مادی شده یا در عنصری مادی تجلی یافته باشد. مثلاً فکر به صورت نوشته، آواز به صورت نوار صوتی، فیلم به صورت نوار تصویری در آمده، یا اختراعی پروانه ثبت گرفته باشد، و مانند آن. به عبارت دیگر، آفرینش فکری تا زمانی که در ذهن و فکر کسی است اساساً در بحث مالکیت جایگاهی ندارد.

دیگر اینکه مخدوش شدن مالکیت معنوی نیز می‌بایست شبیه خود مالکیت معنوی عینیت یافته یا در عنصری مادی متجلی شده باشد تا بتوان مخدوش شدن را تشخیص داد یا تأیید کرد. مثلاً از روی مطلبی، تولید دیگری به صورت نوشته، نوار، فیلم، و مانند آن پدید آمده باشد بدون آنکه مالک آن اجازه داده یا مطلع باشد.

با توجه به این دو شرط، می‌توان گفت که مالکیت معنوی نخست باید تبدیل به مالکیت مادی شود تا بتوان در مورد حق و حقوق ناظر بر آن تصمیم گرفت؛ و بسیاری مسائل از همین جا آغاز می‌شود. چون از این پس با شرایط احراز مالکیت مادی مقایسه می‌گردد و اختلاف آراء و نظرات نیز برخاسته از همین شرایط است. آیا باید تقلید یا بازسازی اثر عین به عین صورت گرفته باشد؟ اگر بخشی از یک اثر در کل اثری دیگر وارد شد تکلیف چیست؟ اگر عینیت را تغییر

دادیم، مثلاً فکر مندرج در نثر را در قالب شعر در آوردیم و یا بالعکس، چه می‌شود؟ یا هرگاه اثری داستانی را تبدیل به فیلم کردیم، یا درونمایهٔ اثری را با پرداخت دیگری عرضه کردیم، کشف حدود و ثغور مالکیت چگونه خواهد بود؟ و دهها سؤال دیگر.

تکنولوژی نوین و محمل‌های جدید انتقال اطلاعات نیز خود مباحث جدیدی را پدید آورده که در گذشته نبوده است. مثلاً واژه‌نامه‌های متعدّد با تغییری اندک بر روی دیسک فشرده ضبط می‌شود و در مقیاس گسترده به فروش می‌رسد. یا اثری که از طریق اینترنت منتقل می‌شود به دشواری می‌توان چگونگی و تعداد دفعات و استفاده از آن را روشن ساخت، تشخیص داد، و احتمالاً تعقیب کرد.

قوانین ما درباب این موارد صراحت ندارد. احکام شرعی نیز عمدتاً به بحث در زمینهٔ مالکیت مادی پرداخته‌اند. فتواها و آراء فقها نیز با یکدیگر اختلاف‌های چشمگیر دارند. در این میان، مالک آفرینش فکری به دلیل همین نارسایی‌ها - هرگاه تصاحب غیرمجازی را نسبت به اثر خود بیابد، تنها به شکوائیه یا گلایه‌ای مطبوعاتی، و دست‌بالا بی‌حیثیت کردن فرد خاطی قناعت می‌کند. چون به فرض کسب رأی موافق دادگاه‌های مربوط، زمان و هزینه‌ای که برای پیگیری امر صرف می‌کند احتمالاً به مراتب بیشتر از حاصلی خواهد بود که به عنوان خسارت یا احراز و اعادهٔ مالکیت عاید او می‌شود.

مجموعهٔ این عوامل سبب می‌گردد که افراد خاطی جری‌تر شوند و پا را از تجاوز جزئی مالکیت فکری افراد فراتر گذارند و گاه وقیحانه کلّ یک اثر را با برخی تغییرات جزئی صوری به نام خود کنند. موارد متعدّدی از این نوع را می‌توان در میان برخی مقاله‌های مجلات، ترجمهٔ کتاب‌ها، یا پایان‌نامه‌های دانشگاهی مشاهده کرد.

و اما درباب حفظ مالکیت آثار خارجی در کشور، وضع از این هم نابسامان‌تر است. ایران، به دلایل گوناگون، عضویت در کمی‌رایت جهانی را نپذیرفته است. حاصل این عدم عضویت تصاحب بدون قید و شرط تولیدات علمی، فرهنگی، و هنری خارجی است. از یک سو، پدیدهٔ افت کتابهای خارجی، ترجمه‌های مغلوط و نابرابر با اصل، کیفیت ظاهری نامطلوب برخی آثار ترجمه، درج تصاویر بدون کیفیت در متون ترجمه‌ای؛ و از سوی دیگر، ساختن فیلم‌های به ظاهر فارسی ولی با درونمایهٔ شناخته شدهٔ فیلم‌های فرنگی، استفاده از موسیقی‌های فرنگی به عنوان موسیقی متن در برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، یا فیلم‌های سینمایی؛ گذاشتن کلام و صوت فارسی بر روی قطعه‌های مشخص موسیقی خارجی است که همگی از عوارض این عدم عضویت و ناشی از عدم مسئولیتی است که در قبال اثر اصلی احساس می‌شود.

درباب پیوستن به کمی‌رایت جهانی نیز دو نظر کاملاً متمایز و متفاوت وجود دارد. گروهی

معتقدند که با پیوستن به آن، محدودیت‌ها و هزینه‌هایی بر اثر تهیه شده در کشور تحمیل می‌شود که ناگزیر فروش و توزیع اثر را محدود و گران می‌کند. در نتیجه، تعداد خریداران کاهش می‌یابد و در درازمدت سرمایه‌گذاری در امر ترجمه یا برگردان آثار خارجی را متزلزل می‌سازد. این گروه، در واقع، حفظ حقوق مصرف‌کننده را دستاویز تجاوز به حقوق تولیدکننده قرار می‌دهند.

گروه دیگر موافق پیوستن به کپی‌رایت جهانی هستند و برآنند که مزایای فراوانی بر آن مترتب است؛ از جمله بالا رفتن کیفیت ترجمه‌ها، وضع نشر و تصاویر آثار ترجمه‌ای به دلیل دسترسی به نسخه‌های اصیل تصاویر موجود نزد تولیدکننده اصلی، حفظ حیثیت اجتماعی جامعه علمی و فرهنگی کشور، و از این قبیل.

در مجموع، اگر دولت هزینه‌های بالاسری ناشی از پیوستن به کپی‌رایت جهانی را به عنوان سرمایه‌گذاری در امور علمی و فرهنگی بر عهده گیرد و بدین ترتیب مانع افزایش قیمت این نوع تولیدات گردد به گونه‌ای که مصرف‌کننده هزینه‌های ناشی از آن را متحمل نشود، پیوستن به کپی‌رایت جهانی به مصلحت نزدیک‌تر است.

اما نکته مهم در امر حقوق مالکیت معنوی در ایران آن است که این مسئله تنها با پیوستن به کپی‌رایت جهانی حل نمی‌شود، بلکه نکات مبهم بسیاری در این نوع حقوق در داخل کشور وجود دارد که می‌بایست به‌طور جدی مورد مطالعه قرار گیرد و رویه‌های اجرایی نیز برای احقاق این نوع حقوق تدوین شود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که لازم است مجمعی، انجمنی، شورایی، یا نهادی با هر نام دیگر در کشور پدید آید و مسئولیت حکمیت در امر حقوق معنوی را بر عهده گیرد و دادگاه‌های صالحه را در این امر برای تصمیم‌گیری یاری دهد. چنین نهادی می‌تواند نه تنها به مطالعه دقیق مسائل مربوط به حقوق آفرینش‌های فکری در داخل کشور بپردازد، بلکه قادر خواهد بود که بررسی کارشناسانه‌ای نیز در باب پیامدهای پیوستن یا نپیوستن به کپی‌رایت جهانی انجام دهد و حاصل کار را به صورت گزارشی مستند و مستدل در اختیار مراجع ذیصلاح و ذریبط بگذارد.

عباس خُری